



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز عید سعید غدیر خم - 24 / اسفند / 1379

بسم الله الرحمن الرحيم

این عید سعید و مبارک را به همه‌ی حضار محترم، به همه‌ی ملت عزیز ایران، به همه‌ی مؤمنین عالم و به همه‌ی آزادگان، تبریک عرض می‌کنم. همچنین به شما برادران و خواهران عزیز، بخصوص به خانواده‌های مکرم شهیدان و نیز دوستانی که از راه دور تشریف آورده‌اند، خوشامد عرض می‌کنم.

امسال، این دومین عید غدیر است. عید غدیر اول در روزهای آغاز سال 79 بود و غدیر دوم در روزهای پایانی امسال است. البته عید غدیر، عید بسیار بزرگ و خاطره‌ی عظیم تاریخی است؛ لیکن در مضمون عید غدیر درس‌هایی وجود دارد که هرگاه ملت اسلام این درسها را به گوش جان بشنود، حقیقتاً از این روز بهره خواهد برد.

در واقعه‌ی غدیر، درس‌های بزرگی وجود دارد: اولاً این واقعه جزو وقایع مسلم تاریخ اسلام است. این طور نیست که فقط شیعه حدیث غدیر را نقل کرده باشد. در بین علما و محدثان اهل سنت، تعداد بسیاری این حدیث را نقل کرده‌اند و همان طور که شیعه این حادثه را بیان کرده است، آنها هم بیان کرده‌اند. فهم علما و دانشمندان - همانند فهم خود حضار آن حادثه - از این عمل پیغمبر، که دست امیرالمؤمنین را بلند کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» (125) این بود که پیغمبر، امیرالمؤمنین را برای جانشینی خود نصب کرد. نمی‌خواهیم وارد مسأله‌ی شیعه و سنی و اختلافات و درگیریهای اعتقادی شویم - دنیای اسلام تا امروز هرچه از دعوی شیعه و سنی کشیده، بس است! - ولی معرفتی که در این کلام عمیق پیغمبر وجود دارد، باید درست فهمیده شود؛ پیغمبر امیرالمؤمنین را منصوب کرد.

پیغمبر برای این مبعوث شده بود که مردم را تعلیم دهد و تزکیه کند؛ «یعلّمهم الكتاب و الحکمة و یزکیهم»؛ (126) یا در جای دیگر «یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمة». (127) باید انسانها، هم آموزش داده شوند و هم تزکیه شوند، تا این کره‌ی خاکی و این جامعه‌ی بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده‌ی سالم، راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره‌مند شود. هدف همه‌ی نبوتها و بعثتها این است. هرکدام از انبیا به نبوت مبعوث شدند، این اقدام بزرگ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه می‌داد، پیش بردند؛ اما دین خاتم و نبی خاتم باید این حرکت عظیم الهی را ابدیت بخشد؛ چون پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر به آن سر منزل نهایی خود در این عالم - که زندگی در کره‌ی خاکی و در خانواده‌ی بشری، باید همراه با صلح و صفا و عدالت و با بهره‌مندی از خیرات عالم باشد - نزدیک شود و بالاخره به آن برسد. چگونه می‌شود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید تعلیم و تربیت مستمری از موضع حکومت و قدرت سیاسی - آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم - این جامعه‌ی بشری را بتدریج پیش ببرد و تربیت کند و ناهنجاریها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه‌ای که شروع زندگی سعادت‌مندان‌ه‌ی همه‌ی انسانهاست - که ما آن دوره را، دوره‌ی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می‌دانیم - برسد. دوره‌ی ولی عصر ارواحنا فداه، دوره‌ی آغاز زندگی بشر است؛ دوره‌ی پایان زندگی بشر نیست. از آن جا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده‌ی عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره‌ی خاکی و استعدادها و انرژیهای نهفته در این فضا، برای انسان - بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، اما به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت در راه تزیین و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کمالین که در این صد سال اخیر این گونه بوده است. بشر نیروهای محرکه و انرژیهای پنهان و قوه‌ی بخار و سایر نیروها را کشف می‌کند، اما انسانها را به انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی از ناحیه‌ی این



مشکلاتی که زندگی مادی برای انسانها به وجود می‌آورد، آلوده می‌کند. به بشر سرعت و سهولت داده می‌شود؛ اما خیلی چیزها از او گرفته می‌شود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت بقیةالله ارواحانفاده قضیه این‌گونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژیهای پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده‌ی بی‌ضرر و بی‌خسارت می‌کند؛ استفاده‌ای که مایه‌ی رشد و پیشرفت انسان است. همه‌ی پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع می‌شود. پیغمبر خاتم اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به این‌جا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی‌درپی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت - «اِنَّكَ مَيِّتٌ وَ اَتَمُّ مَيِّتُونَ» (128) - پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت و همان شیوه‌ها را مورد استفاده قرار دهد، و او علی‌بن‌ابی‌طالب است. معنای نصب غدیر این است.

اگر آن روز امت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک می‌کرد و تحویل می‌گرفت و دنبال علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام راه می‌افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا می‌کرد و بعد از امیرالمؤمنین هم انسانهای معصوم و بدون خطا، نسلهای بشری را مثل خود پیغمبر، پی‌درپی زیر تربیت الهی خویش قرار می‌دادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای می‌رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت می‌کرد؛ درجات روحی انسانها بالا می‌رفت؛ صلح و صفا در بین انسانها برقرار می‌شد و ظلم و جور و ناامنی و تبعیض و بی‌عدالتی از بین مردم رخت برمی‌بست. این‌که فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها - که در آن زمان عارف‌ترین انسانها به مقام پیغمبر و امیرالمؤمنین بود - فرمود اگر دنبال علی راه می‌افتادید، شما را به چنین سرمنزلی هدایت می‌کرد و از چنین راهی می‌برد، به همین خاطر است. ولی بشر زیاد اشتباه می‌کند.

در تاریخ، اشتباهات بزرگ همیشه سرنوشت انسانها را با مشکلات بزرگ دچار کرده است. ماجرای سیر انسان در دوران نبوت نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ماجرای بسیار پُر حادثه و داستان بسیار مهم و حامل فلسفه‌ی بسیار عمیقی است. در سال امیرالمؤمنین - که امسال و سالهای دیگر هم متعلق به ایشان است - شایسته است که این فلسفه مورد مذاقه قرار گیرد. امروز هم بشر باید همان حرکت و تلاش را انجام دهد. جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند و هرچه انسانها از رذایل اخلاقی، خودخواهیها، بداندیشیها، بددلیها، شهوترانیها و خودپرستیها دور شوند، آن آینده نزدیکتر خواهد شد. بشر در طول تاریخ در کجراهه‌هایی قرار گرفته و به راه افتاده که او را از سرمنزل نهایی خودش بسیار دور کرده است. امروز انقلاب اسلامی فرصت دوباره‌ای است که به بشریت داده شده است. این بیداری اسلامی یک فرصت دوباره است. از این فرصتها در طول تاریخ پیش آمده، منتها کم؛ در طول تاریخ اسلام هم پیش آمده، باز هم کمتر. در دریای متلاطمی از امواج گوناگون مادی و نابودی ارزشهای اخلاقی و معنوی، ناگهان این کشتی مستقر ثابت نجات‌دهنده - کشتی اسلامی با ناخدایی اسلام و با رهبری قرآن، ظاهر شده و انسانها را به سمت خودش دعوت کرده است. بحث یک حادثه‌ی کوچک نیست. یک ملت به این کشتی نجات چسبیده‌اند و ملت‌های دیگر هم دیدند که یک ملت چگونه می‌تواند از زیر بار حکومت زور و فساد و وابستگی و دنباله‌روی طاغوتها و مستکبران عالم، با پیروی از سفینه‌ی نجات اسلام، نجات پیدا کند.

همه بدانند و بخصوص جوانها بیشتر توجه کنند؛ امروز آوازه و نشانه‌ها و انعکاسهای بسیار مؤثر و کار آمد فریاد انقلاب در دنیا بسیار عمیق شده است. البته از تبلیغات مخالفانی که از فریاد اسلام به وحشت افتاده‌اند، انتظاری نیست که این بازتابهای جهانی را منعکس کنند. آنها عکسش را منعکس می‌کنند؛ لیکن حقیقت قضیه این است که عرض می‌کنم: تا اعماق جان انسانها - آن هم در چهار گوشه‌ی عالم؛ نه فقط در دنیای اسلام - بازتاب حرکت ملت ایران منعکس شده است. در بسیاری از کشورها - و در کشورهای اسلامی، بیشتر - جوانها به ندای اسلام دل بسته‌اند. در دوره‌ی قبل از انقلاب اسلامی و قبل از تشکیل حکومت اسلامی در این‌جا، این دلبستگی وجود نداشت.



این تداوم راه غدیر است. این مطرح کردن يك خط روشن برای بشریت است تا در سایه‌ی این خط روشن، هر چه زودتر به آن سرانجامی که همه‌ی پیغمبران مژده‌اش را داده‌اند، برسد. همه‌ی پیغمبران و مصلحان عالم این نوید را به بشریت داده‌اند که يك روز نجات خواهد یافت.

امروز ما - هم مسؤولانمان، هم مردمان - در قبال مسأله‌ی غدیر مسؤولیم. مسؤولان کشور باید سعی کنند اعمال و رفتار و حرکات و سکناات و برنامه‌ریزیهایشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که با هدفهای اسلام - که همان هدفهای غدیر است - تطبیق کند. اگر چه همه‌ی دنیا، بخصوص کمپانیهای صهیونیستی و قدرتمندان و زرسالاران عالم، ناراحت شوند و هجمه‌ی تبلیغاتی کنند، باکی نیست. امروز پایه‌ی انقلاب مستحکم است و این توفانها نمی‌تواند این بنای شامخ را متزلزل کند. از چه چیزی می‌ترسند؟ ملاحظه‌ی چه چیزی را می‌کنند؟ بعضی کسان در برنامه‌ریزیهایشان، در اجرایشان، در تصمیم‌گیریهایشان، در حرف‌زدنهایشان و در موضعگیریهایشان، دائماً مواظبند که نکند فلان رادیوی گوشه‌ی دنیا - که به فلان دستگاه جاسوسی وابسته است - علیه این صحبت یا علیه این شخص حرفی بزند! خوب؛ بزند.

امروز پیام اسلام، پیام جذابی است. پیام ما، پیام عدالت است؛ پیام ما، پیام نجات انسانها و نجات جوانهاست. وقتی ما اسم جوان را می‌آوریم، فقط به جوانهای جامعه‌ی خودمان نگاه نمی‌کنیم. امروز نسل جوان در دنیا غرق در بدبختی و نابسامانی است. رنجها، فشارهای روحی و عصبی و ابهام آینده، امروز نسلهای جوان را در سرتاسر دنیا بر اثر دوری از معنویت، زیر فشار قرار می‌دهد.

مسؤولان، به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه‌ی این و آن، هم موضعگیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل کنند. مردم عزیزمان و بخصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر ترسیم کرده، يك راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه‌ی مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم‌المنزلی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجه مردم جهان - بخصوص کشورهای اسلامی - هستیم. راه، راه خوش‌عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسؤولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان‌شاءالله زمینه‌های ظهور مهدی موعود صلوات‌الله‌علیه‌و‌عجل‌الله‌فرجه را فراهم خواهد کرد.

امیدوارم که خداوند متعال این عید را بر شما عزیزانی که در این جلسه تشریف دارید، بر همه‌ی ملت عظیم‌الشأن ایران و همه‌ی مؤمنین در سرتاسر عالم مبارک کند و همه‌ی شما را مشمول برکات خود و ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة‌الله قرار دهد و ان‌شاءالله شما را جزو منتظران واقعی و واصلان به لقای آن بزرگوار محسوب فرماید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

125) امالی طوسی، 247

126) بقره: 129

127) جمعه: 2

128) زمر: 30